

روابط دوستانه میان علی و عمر رضی الله عنهما

نویسنده: علی حسین امیری

منبع:

[/http://islamtxt.net](http://islamtxt.net)

وقتی به آخوند شیعی بگویی که چطور دشمن اسلام و غاصب خلافت برای مشورت نزد علی می آمده؟! و شما که معتقد هستید عمر غاصب خلافت بوده و ظالم بوده؛ پس چرا حضرت علی به او مشورت می داده است؟! در جواب خواهد گفت: حضرت علی به خاطر اینکه اسلام منحرف نشود به عمر مشورت می داده است.

پاسخ به شبهه: پس طبق این گفته اسلام منحرف نشده است، چون حضرت علی با مشورت دادن جلوی انحراف آنرا گرفته و بنابراین تمامی ادعاهای شما مبنی بر تحریف اسلام به خاطر غصب خلافت مردود می شود. شیعه می گوید: آن جامعه ایده آل با خلافت بلافصل حضرت علی درست می شده و به خاطر غصب خلافت اینگونه نشده است. در پاسخ باید گفت: شما از طرفی می گوئید: اسلام بسیار بسیار منحرف شده ولی در اینجا می گوئید نخیر منحرف آن چنانی هم نشده و تنها آن جامعه ایده آل درست نشده؛ پس معلوم نیست شما چه می خواهید!!! و چنانچه حضرت علی به عنوان وزیر و مشاور نتوانسته باشد جلوی انحراف اسلام را بگیرد پس چنانچه خودش هم خلیفه می شده نمی توانسته کاری بکند. و سوال اصلی ما در اینجاست که اگر نعوذبالله حضرت عمر ظالم بوده و دشمن اسلام بوده پس چرا برای پیشرفت و کمک به دین اسلام نزد حضرت علی می رفته تا از او مشورت بگیرد و این دشمن از کجا می دانسته که علی بهتر از دیگران به او مشورت می دهد؟! این سخن شما مانند این است که بگوئیم: دزدی برای ساختن دستگاه دزدگیری نزد شخصی برود تا به او کمک کند دستگاه دزدگیری بسازد. آیا هیچ دزدی چنین کاری می کند؟ اگر عمر دشمن اسلام بوده نزد علی نمی رفت تا برای کمک به اسلام از او کمک بگیرد از کسی که به نظر شما از همه برای اسلام بهتر بوده، پس ای کاش اسلام همیشه از این دشمنان داشته باشد.

شبهه دیگر علمای شیعه این است که وظیفه امام حفظ دین و مشورت دلسوزانه و کمک به مظلوم و کمک به قضاوت صحیح برای جلوگیری از بی عدالتی و دفع ظلم به مسلمین و موارد دیگر است و یا روایتی را ذکر می کنند که عمر بن خطاب امر به رجم زنی کرد که در ۶ ماه بچه اش به دنیا آمده بود. و همچنین در مورد زن دیوانه ایی که زنا کرده بود که علی بن ابیطالب در هر دو کار جلوی او را گرفت و قرآن و سنت نبوی را به او یادآوری کرد. که عمر گفت: لولا علی لهلك عمر. و شیعه می گوید این مشکل یک مشکل شخصی نبوده است و مشکل مربوط به جامعه اسلامی بوده است و زمانی که مشکل، مشکل اسلامی باشد، تک تک مردم نسبت به برطرف کردن آن وظیفه دارند و علی بن ابیطالب از این دایره خارج

نیست و آیا توقع دارید علی بن ابیطالب عالم القرآن نسبت به این آیات بی توجه باشد، تنها به این دلیل که با عمر مشکل دارد؟
در تمام جاهایی که علی به عمر بن خطاب کمک کرده، مصلحت جامعه اسلامی بوده است و آیا شما جایی را سراغ دارید که بحث منافع اسلام و مسلمین نبوده و علی به عمر بن خطاب کمک کرده باشد؟

پاسخ به شبهه:

• بطور حتم منظور حضرت علی مشورت دادن به شخصی ظالم در ظلم او نیست. شیعه معتقد است زمانی که مشکل، مشکل اسلامی باشد تک تک مردم نسبت به برطرف کردن آن وظیفه دارند، باید گفت: حضرت عمر رضی الله عنه نیز همینگونه بوده و مانند مسلمانی واقعی برای پیشرفت اسلام در امور مختلف نزد علی می رفته است و مشورت می کرده است، سوال ما نیز همین است که آیا این غاصب و ظالم اینقدر غم دین داشته است؟؟ و تازه به حرف مشاور دلسوز گوش می داده است؟ شما که مشاورین و منتقدینی چون بازرگان و برقی و . . . را نابود کردید؟ و ای کاش همه دشمنان اسلام همینگونه بودند. لازم به تذکر است که شیعیان، ابوبکر و عمر را غاصب خلافت و مخرب اسلام و موجب فساد در دین می دانند و مشورت به چنین شخصی تنها وقتی صحیح است که آن شخص بر راه و روش صحیح و اسلامی باشد وگرنه بطور حتم در امور منحرف و تخریبی، حضرت علی به هیچ کس مشورت نمی داده است، پس عمر و ابوبکر بر راه و روش صحیح و اسلامی بوده اند و نه ظالم و غاصب، وگرنه مشورت به ظالم همچون شرکت در ظلم اوست و ما نیز همین را می گوئیم که چون اینها ظالم نبوده اند حضرت علی به آنها مشورت می داده است. پس اسلام دچار انحراف نشده چون عمر و ابوبکر ظلمی نکرده اند و با روشی صحیح به پیش رفته اند و علی هم کمکشان کرده تا اسلام پیشرفت کند، ولی شیعه می گوید اسلام منحرف شده است!!! ضمن اینکه مثلی در میان آقایان باب شده به این مضمون: فلانی با ما می نشیند تا ما آب تظہیر او شویم! (یعنی او می آید کنار ما تا پلیدی خودش را در نظر مردم پاک کند!) بگذریم . . .

اگر به عقیده شما حضرت علی برای دفاع از اسلام به عنوان مشاور عمل کرده و باز هم اسلام منحرف شده است، پس چنانچه خودش هم خلیفه می شد تاثیر چندانی نداشته است

و اگر اسلام منحرف نشده پس درد شما چیست؟ شیعه فقط می خواهد بگوید که عمر و ابوبکر مرتکب ظلم و ستم هم می شده اند و علی در آنجا به ایشان مشورت نمی داده است! باید بگوئیم اگر عمر و ابوبکر سوء نیتی داشته اند و به قول شما غاصب و ظالم و منافق و در واقع دشمن اسلام بوده اند و قصد ضربه زدن به دین اسلام را داشته اند، پس در آن مواردی هم که شما ذکر کردید نباید به مشورت حضرت علی تن در می دادند و می توانسته اند کار خودشان را بکنند و به ظلم خودشان ادامه دهند. کسی که به عقیده شما از به آتش کشیدن خانه فاطمه و سقط جنین او باکی نداشته و با کمک چندین نفر علی را با طنابی برای بیعت اجباری برده است، و جو رعب و وحشت و خفقان ایجاد کرده، پس گوش ندادن به مشورتی ساده برای جلوگیری از رجم شدن زنی غریبه برایش بسیار ساده تر بوده و لزومی به اطاعت کردن از علی را نداشته و اصلاً چنین شخصی برای ضربه زدن و نابودی اسلام و ظلم و ستم به دیگران آمده است نه برای کمک خواستن از علی در امور مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی و قضایی (و در یک کلام برای نجات اسلام) ضمناً عجیب است عمر به مشورت علی مثلاً در خصوص مظلوم نشدن یک زن گوش فرا می دهد، ولی از آن سو می آید و حق همین علی را که بر مبنای دستوری الهی است زیر پا می گذارد (قاعده الاهی فالا هم!) چنین شخصی از نظر شما آمده برای ظلم به دختر پیامبر اسلام و یا دورترین اشخاص و مسلمین دیگر که حتماً نسبت به دیگران کوچکترین باکی در دل راه نمی داده و فراموش نکنید وقتی عمر در همان روزهای اول رحلت نبی اکرم (ص) توانسته این همه نسبت به نزدیکترین افراد (علی و فاطمه) ظلم کند و دیگران را نیز با خود بسیج کند، پس در زمان خلافتش به مراتب نیرومندتر و قویتر بوده و اصلاً مخالفت با علی برایش معنایی نداشته، ولی عجیب است که مشورت پذیر و دلسوز اسلام هم بوده (نکند دو شخصیتی بوده؟!)) بر خلاف شیعه که به سخنان علی گوش نمی دهد، عمر که ادعای شیعه بودن نیز نداشته است.

عالم شیعه به مرجعیت علمی امام علی اشاره می کند و منظورش این است که عمر ناچار بوده برای حل مشکلات خود نزد امام برود!!

پاسخ به شبهه:

- همانطور که گفتم سوال ما این است که خلیفه دوم از نظر شما شخصی ظالم و غاصب است و در نتیجه دشمن اسلام است و به هر نحوی جلوی پیشرفت اسلام را می گیرد و مثل این می ماند که دزدی برای ساختن دستگاه دزدگیری، نزد شخصی برود تا به او کمک کند دستگاه دزدگیر را بسازد! آیا هیچ دزدی چنین کاری می

کند؟ و فراموش نکنید طبق گفته خودتان، حضرت علی تنها در امور دینی و گرفتن حقوق مسلمین و در یک کلام در راه پیشرفت اسلام مشورت می داده است و این خود به خود یعنی اینکه حضرت عمر نیز برای پیشرفت اسلام نزد حضرت علی می رفته است و البته حضرت علی هم به او کمک می کرده است، وگرنه طبق گفته خود حضرت علی، مشورت به ظالم (و مشورت به دشمن اسلام) همچون شرکت در ظلم اوست و مقصود ما نیز اثبات همین موضوع است که بنابراین حضرت عمر شخصی ظالم نبوده است. (مسلم سخن حضرت علی در مشورت دادن به ظالم مشورت در امور شخصی نبوده بلکه همان شئون حکومتی بوده است و حتی منظور مشورت درست یا غلط هم نیست زیرا آن یار امام صادق برای سفر حج به هارون شترهایش را کرایه داد، ولی امام صادق او را تویخ کرد . . .) چنانچه ابوبکر و عمر و عثمان سوء نیتی داشتند و یا دشمن اسلام بودند، قرآن را جمع آوری نمی کردند تا اسلام همان جا نابود شود و اصحاب هم که به قول شما مرتد بوده اند و بنابراین همه زمینه ها مناسب بوده است.

عالم شیعه می گوید: آیا شما جایی را سراغ دارید که بحث منافع اسلام و مسلمین نباشد و علی به عمر بن خطاب کمک کند؟

در پاسخ باید گفت که در تاریخ طبری چنین آمده که عمر قصد داشت مالی را از بیت المال بر دارد و البته نه بصورت غیر شرعی بلکه حقوق خلیفه بوده و دستمزد او، ولی در برداشت آن مردد بوده و به علی نگاه می کند (یعنی نظرت چیست؟) و علی او را منع می کند، یعنی بر نداری بهتر است. خوب در اینجا مسئله ای شخصی بوده و ربطی به اسلام و مسلمین نداشته است.

شما می گوئید مخفی بودن قبر حضرت زهرا دارای پیام و نشانه ای است، ما می گوئیم آیا مشورت دادن علی به عمر دارای هیچگونه پیام و نشانه ای نیست؟! امام هدایتگر و الگو با خود نمی گفته که همکاری من با فردی ظالم در تاریخ ثبت می شود و مردم و عوام ساده و بی خبر نیز همواره مرا در کنار این اشخاص می بینند و گمراه می شوند؟ (تازه به زعم شما علی به علم غیب نیز مجهز بوده) به همین خاطر است که ما همیشه می گوئیم تحلیل‌های شیعه متناقض است.

نوف بکالی می گوید: در مسجد کوفه حضرت علی را دیدم و از ایشان خواستم مرا اندرز دهد، او گفت: با مردم خوب باش، خدا با تو خوب خواهد بود، از ایشان خواستم یک چیز

بیشتر برایم بگوید، فرمود: نوب اگر می خواهی فردای قیامت با من باشی تو باید یار ستمگر نباشی. (کتاب صدای عدالت انسان، ص ۷۵، جرج جرداق)

شیعه دائم می گوید که علی مدت ۲۵ سال خانه نشین بوده و چها که بر او نگذشته است!! من در اینجا می گویم که چه بر علی گذشته:

۱. به قول خودتان جلوی رجم زنی بی گناه را گرفته
۲. نظارت بر جمع آوری قرآن
۳. دادن مشورت به خلفا در زمینه های جنگی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و در یک کلام به عنوان وزیر و مشاور برای خلفا
۴. در آوردن ام کلثوم به همسری عمر بن خطاب
۵. تعیین مبدا تاریخ مسلمین، یعنی همان هجرت نبی اکرم(ص)
۶. جانشینی حضرت عمر در مدینه(حداقل دو بار)
۷. روش اتخاذی پیرامون زینت های خانه کعبه
۸. مشورت دادن در جنگها و جلوگیری از حضور مستقیم حضرت عمر در جبهه جنگ

این چند نمونه از کارهایی بود که حضرت علی در زمان خانه نشینی خود انجام داده است و اگر خانه نشین نبود چکار می کرد؟! ای کاش جمهوری اسلامی نیز ما را به همین طریق خانه نشین می کرد!!! خود حضرت علی نیز گفته که من وزیر بوده ام. مشخص است که وزیر همه جا حضور دارد و خانه نشین نیست، ضمناً شاه بخشیده و وزیر نمی بخشد، یعنی شیعه نمی بخشد و می گوید: تو باید خلیفه باشی نه اینکه وزیر باشی!!! به هر حال حضرت علی با حضرت عمر مشکلی نداشته و این شیعیان هستند که با همه دنیا مشکل دارند و دائم در حال کینه ورزی و تفرقه افکنی هستند. مطمئن باشید حضرت علی از این عقاید شیعه به شدت بیزار است و کوچکترین تمایلی به این عقاید ندارد. عقایدی که نه سود دنیوی دارند و نه سود اخروی و تنها موجب ضرر و گناه هستند.